

# سام نوین

سال پنجم

آبان ماه ۱۳۴۱

شماره

ب. نیکیفوروف

## حماسه دلیری

### در زندگی و در هنر

هنری که با زندگی ملت پیوند داشته باشد، حیاتی ترین و مهمترین نکات آن زندگی را - یعنی حماسه دلیری و فداکاری آنرا، که بیش از پیش جزای عمومی بسیطه مییابد - نادیده نمیگیرد.

عالم باطنی روحی انسان شوروی حاکی از ترقی و تکامل همه جانها و شخصیت او و بشردوستی عالی وی میباشد.

شخص معاصر ما، قهرمان دوران ما، ممکن است مرد کار و عمل یا آرژونوف، دارای حالت شاعرانه یا بنذله گو و خنده رو، با صداقت و صمیمیت یا سختگیر و بازخواست کننده، مشعوف یا غمگین باشد، لیکن نکته اصلی اخلاقی او عبارت است از اینکه دائماً برای فداکاری دلیرانه بخاطر میهن آماده است. فداکار دلیرانه، چنانکه انسان شوروی تشخیص میدهد - عمل برجسته مهمی است که بامنافع توده های مردم مطابقت دارد، عملی است، که مستلزم از خودگذشتگی، شهامت و بکار بردن تمام قوای معنوی و جسمانی است.

نقاشان هنرمند شوروی در هنر خود تمثالهای قهرمانان جدید را تشبیه میکنند. آنها وصف میکنند، که گذشته از میدان جنگ، در کشتزارها و مسالمت آمیز هم میتوان شهرت قهرمانی کسب کرد. فداکاری حقیقی، گذشتار از رزم با دشمن، در کار انسان، در مبارزه او با قوای قهری طبیعت هم ممکن است.



ابراز بشود: انسان طبیعت را مطیع ازاده خود میکند و آنرا وادار مینماید هدف‌های عالی او را انجام بدهد و با خدمت کند.

تقاضاهای جمال پسندانه و ارمانی انسان شوروی از نقاشان هنرمند مستلزم این است، که آنها قهرمانی‌هایی را، که در زمان جنگ عظیم میهنی با دشمنان وطن و در زمان صلح ابراز شده است: در فداکاریهای تراکتوریست‌ها در کار، که با گاو آهن‌های نیرومند پهنه‌های کشتزارهای کالغوزها را شخم میکنند، در کار فلز ریزان، در کار افرادی، که در بلندیهایی دوار آور ساختمانهای جدید فعالیت میکنند، در فداکاریهای کیهان نوردان بتوانند ببینند و نشان بدهند.

وظیفه نقاشان هنرمندی، که در آثار خود به وصف قهرمانی‌ها میپردازند در درجه اول این است، که اهمیت جمال پسندانه آن و زیبایی‌های آنرا جلوه بدهند، که گاهی در مطالعه سطحی زندگی سرئی و مشهود نیست. فقط هنرمندی میتواند آن زیبایی‌ها را احساس کند، که اساس اجتماعی قهرمانی عصر ما را در نظر میگیرد و بطرزی عمیق در روحیه و پسیکولوژی ملت خود نفوذ می‌یابد.

در هنر کنونی شوروی (اعم از ناریخی - انقلابی و نقاشی‌های جنگی یا تصویرهایی، که بکار اختصاص یافته است) توجه نقاشان با استغناء روحی و طبع انسان - قهرمان بر سایر جنبه‌ها غلبه دارد. این امر در بسیاری از آثار نقاشی، که در نمایشگاه نقاشی سال ۱۹۶۱ تمام شوروی عرضه شده بود، بخوبی مشهود بود.

قصدهنشان دادن قهرمانی سپاهیان شوروی، با فاش نمودن و جلوه دادن عالم باطنی آنان، در بسیاری از تصویرهای دیگر نمایشگاه که بمضامین جنگی نهیه شده بود، نمایان بود. علاوه بر آن، هنگام رجوع بمضامین جنگی، نقاشان اغلب اوقات بقدری مجذوب جلوه دادن عالم باطنی قهرمانان خود میشوند، که مجسم نمودن فداکاری جنگی آنان گوئی در نظر آنان اهمیت خود را از دست میدهد و در درجه دوم قرار میگیرد. بیشتر سوژه‌هایی از زندگی در راه پیمایی جنگی و روزهای زندگی عادی سر بازان، که آنها را در دقایق فاصله بین نبردها، هنگامی که سر بازان میتوانند نگاهی بعقب، بر اطلی شده بکنند، تمام عظمت کاری را که کرده‌اند درك نمایند، آزادانه در باره میهن، اقوام و نزدیکان، در باره سعادت زندگی مسالمت آمیز ایجاد می‌نمایند، که



برای حفظ آن اسلحه بدست گرفته‌اند، توجه نقاشان را جلب مینماید .  
 در روزهای عادی جنگ، دروقفه‌های کوتاه ووخیم بین نبردها،  
 قهرمانی و دلیری حقیقی کمتر از زمان دست و پنجه نرم کردن در جنگ  
 این موضوع در تصویر ظاهر آ، گویی، سرشار از آرامش حماسی و درعین



### «در سپیده دم» اثر آ. کانتانتی نویولسکی

باطناً دراماتیک «سپیده دم» کانتانتی نویولسکی خیلی خوب جلوه  
 شده است .

موفقیت در حال شاعرانه حماسی موضوع جنگی، بهیچوجه بمنزله  
 نیست، که نقاشان حق دارند بکلی از سنن نقاشی جنگی انصراف حاصل  
 صحنه‌های دراماتیک نبرد را مجسم نمایند، درموقعیکه تمام صفات و قوای  
 و روحی سپاهی فقط برای یک منظور بکار افتاده و مردانگی، استقامت  
 باکی او در مقابل خطر مرگبار به منتهی درجه رسیده است. مناسبانه‌ایر  
 تصویرها در نمایشگاه کم بود. در میان آنها باید پرده نقاشی «مدافعین  
 برست» اثر ای. آخرمچیک را نام برد، که یک مرحله جنگ را نشان  
 و ارمان بستگی ناگسستنی ارتش را با ملت نمایان میسازد.

مبین بودن تصویرهای کورژف را از لحاظ منظور و تأثیر محسوس  
 تجسم پلاستیک تمثالها، وضوح و سادگی سیلوئت‌ها افزایش میدهد.  
 قوی تصویر «در فواصل بین نبردها» کار آ. و. س نکاچوف‌ها، این است  
 لحاظ عمیق و پر معنی بودن تمثالها ممتاز است و رنگ آمیزی خشک  
 فورا عصری را در مد نظر ما کاملاً مجسم مینماید، که نقاش آ



نشان داده است. در تصویر «لنینگرادی‌ها» کارت. او گاروف هم رنگ آمیزی با خودداری همین اهمیت را کسب میکند، هر چند بطرزی دیگر و کاملاً مغایر حل شده است، ولی تصویر از حیث مقصود و اجراء کامل اومبین است.



### لنینگرادی‌ها در ۱۹۴۱ - اثر ادگاروف - رنگ روغن

در تصویر «در سال هزار و نصد و چهل و یک» نقاش کوشش کرده است گذشته از رنگ آمیزی قرار دادن رنگها را روی پرده تصویر هم تابع مفاد تصویر نماید.

اشکالاتی، که برای نقاشانی پیش می‌آید، که صمیمانه کوشش میکنند تمثالهای کامل عیار رآلستی بوجود آورند، تا حد زیادی منوط باین است، که خود زندگی دائما در حال ترقی و تکامل است و طبیعی است، که نقاشان باید راه حل‌های جدید جسورانه پیدا کنند.

مثلا زمانی وظیفه نقاش تصاویر جنگی، هنگامی که تمثال سردار سپاه را روی پرده میکشید، که سوار بر اسب تندرو پیشاپیش قشون خود بسوی میدان جنگ میتاخت بسیار فریبیده و از لحاظ تأثیر تصویری جالب بوده است.

تمام هیكل چنین سرداری هم از حیث حرکات بدن و ژست‌ها، جسم پلاستیک قهرمانی و فداکاری جنگی بوده است. سردار - عقابی است که بایک نگاه تمام میدان جنگ را از نظر میگذراند و با «یک اشاره دست» افواج را بجنگ سوق میدهد.



این بود نشانه قهرمانی جنگی عصری ، که گذشته و جزو تاریخ گذشته شده است .

بلینسکی که وصف فنا ناپذیر پوشکین را در باره پالتاوا تحلیل میکرده مخصوصاً مبین بودن پلاستیک تصویر را که او بنظم در آورده تا کید کرده ، گفته است که در آن ، در همه چیز آن منظومه ، تاجزئیات امر ، حاشیه و متنی برای يك اثر نقاشی موجود است . ولی مثلاً بزرگترین نبردهای تاریخی جنگ عظیم میهنی ، که هیچ سرداری عملاً ممکن نبود بتواند میدانهای آنرا از نظر بگذراند از حیث دانه و وسعت چندین برابر نبرد پالتاوا بوده اند . میتوان مثالی ذکر کرد : ژنرال و. ای. چویکوف از سنگر بتونی عمیق ، که در ساحل بر تگاهی رود ولگا ساخته شده بود فرماندهی قشون را بعهده داشت و حال آنکه روزهای متوالی نور خورشید را هم نمیدید . لیکن بعلت وجود وسایل ارتباط کنونی جریبان جنگ برای او هم بهمان اندازه سرداران سابق که از تپه مرتفعی مراقب جنگ بودند ، با سوار بر اسب از جلو صفوف قشون بتاخت میگذشتند ، کاملاً واضح و نمایان بود .

لیکن عظمت فداکاری دلیرانه سردار هم ، مانند هر سپاهی دیگر ، که در شرایط جدید جنگ میکنند و کار کردن با وسایل فنی را ، که بیش از پیش پیچیده و بفرق میشود ، فرا میگیرد ، گذشته از اینکه کمتر از سابق نشده ، بدرجات بیشتر هم شده است .

وظیفه با صداقت نشان دادن فداکاری جنگی بطرزی کاملاً جدید در مقابل نقاشان معاصر قرار میگیرد و مستلزم وسایل جدید هنری است . نقادانی که اظهار عقیده میگردند ، که بارشده و ترقی وسایل جنگی تصویر جنگهای معاصر گویا برای بیان نقاشی میسور نیست و بدین سبب نقاشی جنگی اکنون عمرش پایان میرسد ، کاملاً در اشتباه بودند .

وظیفه حل تشالی موضوع فداکاری دلیرانه در مقابل نقاشانی هم طرح میشود ، که کار کنونی سرشار با حماسه ایجاد میارند . قهرمانی در کار قدرت روحی و زیبایی بنیان گذاران اولین جامعه کمونیستی در جهان بیش از پیش بر استادان هنر تصویری مستولی میگردد .

نقاشانی که میخواهند با زمان و عصر همگام باشند نمیتوانند این موضوع را در خلأقت خود منظور نمایند ، که با تکامل فنی در کشور ما ، با رشد و ترقی او توماتیزاسیون جریانات تولیدی ، خود کیفیت کار ، کیفیت قهرمانی در کار ، که در آن فشار جسمانی جای خود را بفشار فکری عقلی



تخیل خلاقه میدهد، تغییر مییابد. قهرمانی فداکاری انسان شوروی در کار دیگر در بالا بردن پهلوان و ارپتک سنگین تظاهر نمیکنند، بلکه در حساب دقیق حرکاتش و تطبیق خردمندانه آن حرکات با کار مکانسیمهای پیچیده‌ای نمایان میگردد، که او آنها را اداره میکند.

پیشروترین تکنیک شوروی در جهان، که روز بروز بیشتر ترقی مییابد دائماً دشته‌های جدید کار فکری دارای سازمان عالی را بوجود میآورد، که علنی و مجسم نمودن مفاد آن بوسیله هنر تصویری پیش از پیش دشوار میگردد. لیکن این تکامل علوم بهیچوجه از اهمیت موضوع و مضمون کار کنونی در عالم هنر نمیگاهد. بلکه برعکس، بر اهمیت آن میافزاید.

مفهوم انسان شوروی درباره زندگی زیبا نمیتواند با آسایش بدون فعالیت و تنبلی، با فقدان هدف مشخص و تلاش برای وصول بآن، با استنکاف از جسارت در خلاقیت و جستجوی راه‌های جدید مطابقت داشته باشد. آدمی که از کار کناره‌گیری میکند و قادر است در فعالیت عملی و کار خود بچیز جزئی و مختصر قانع بشود، نمیتواند مورد احترام اطرافیان و رفیقان خود در جامعه‌ای که کار میکند باشد.

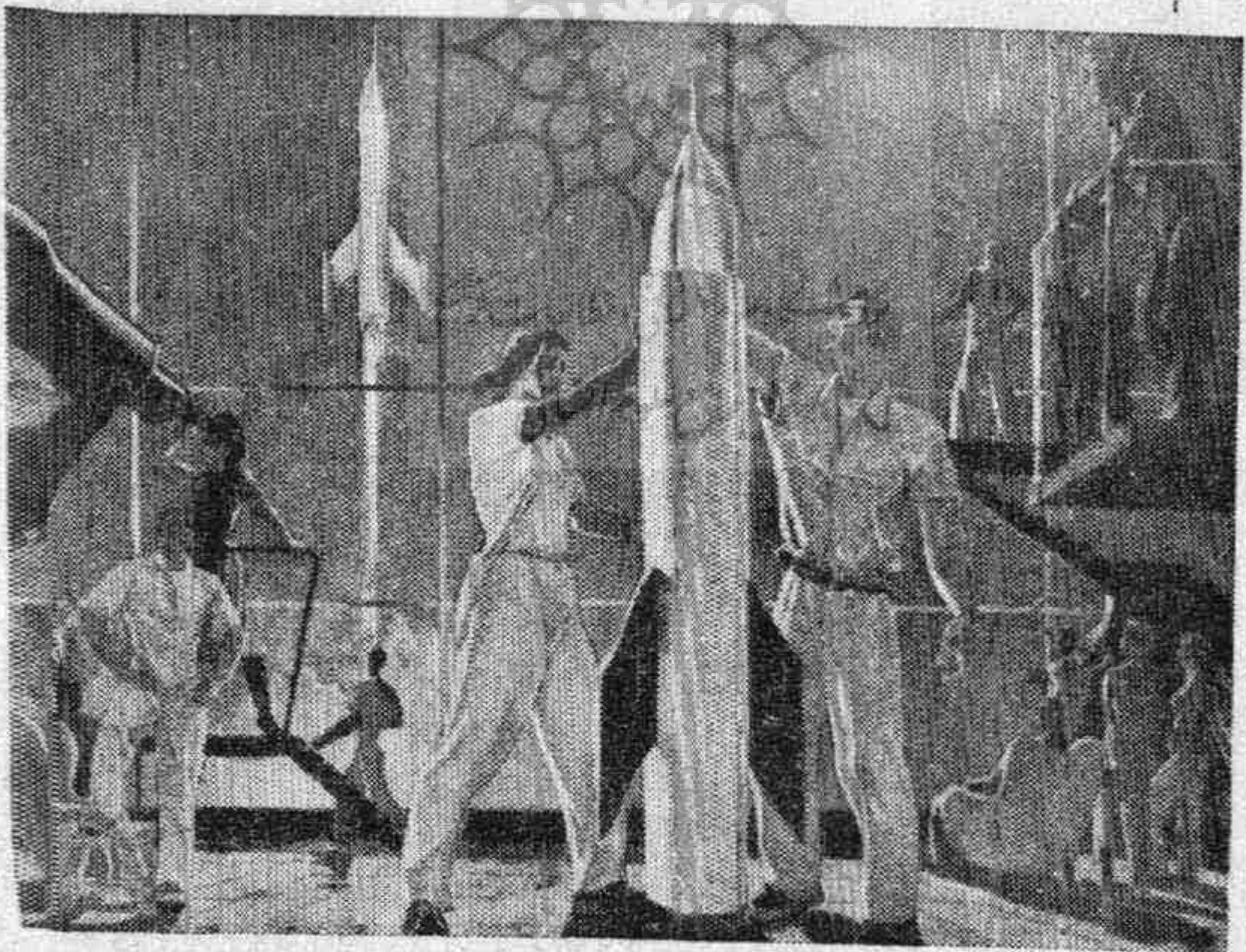
آرمان زیبایی در جامعه شوروی با فکر درباره کار ارتباط ناگسستنی دارد. اگر بهترین موفقیت‌های نقاشان شوروی را در کار آنها روی تمثال‌های افراد معاصر ما در ده سال اخیر بخاطر بیاوریم، مثلاً دخترهایی را که با شور و اشتیاق در خرمنگاه کالخوز کار میکنند در تصویر «نان» کار بانوت. یا بلونسکایا، یا زحمتکشان قرقیزستان را در «سوئیت کالخوزی قرقیزستان» اثرش. جویکوف، یا تمثال‌های دختران ساختمان‌کننده را در پرده‌های نقاشی بو. پیمه‌نوف، یا دختران و جوانان نیرومند و چالاک و ورزیده در عملیات ورزشی را در تصاویر آ. دئینه‌کا، یا دهقانان کالخوزی را در تصاویر آ. پلاستوف، یا کارگران آذربایجان را در پرده‌های نقاشی م. عبداله‌یف و ت. صلاحوف بسیار دیگر را. در تمام این پرده‌های نقاشی تمثال انسان شوروی، انسان فداکار زحمتکش در نظر ما مجسم میگردد، که با کار خود طبیعت را دگرگون میکند و در ضمن کار بطرزی که قابل قیاس نیست رشد و ترقی یافته، صفات بشر دوستی عالی و زیبایی بزرگ انسانی را در وجود خود پرورش داده است.

بسیاری از نقاشان فوق‌الذکر در نمایشگاه مذکور شرکت نموده، پرده‌های نقاشی خود را عرضه داشته‌اند، که بهمان مطالب و مضامینی که آنها



را مجذوب نموده است - یعنی بازیابی کار، بعظمت فداکاری در کار که مردم شوروی ابراز میدارند، اختصاص دارد .

آ. دئینه‌کا، باحدت تجسس مطالب تازه ، که ذصفات خاص او است ، به بفرنج‌ترین مسئله کنونی - یعنی به نشان دادن کار و زحمت مردم شوروی در آن رشته تکنیک ما ، که اولین گام‌ها در آن برداشته شده و عظمت آن تمام جهانیان را مبهور کرده ، ابراز توجه نموده است . نقش مزبور با ایجاد تصویر « رام کنندگان کیهان » علاوه بر اینکه متوجه امروز ما بوده ، نظری هم بفرمای ما که بازیابی و رومانتیسم اشباح است ، انداخته است . راه حلی ، که او برای این موضوع یافته ، ممکن است از خیلی جهات فقط آغاز کار باشد ، لیکن همانکاری هم ، که انجام یافته ، مناظر بسیار وسیع و فریبای ظهور تمثالهای جدید را در هنر ، نقل محسوسات و مشهودات تازه مردم شوروی را ، که به چیزی تحقق بخشیده‌اند ، که بسیاری از نسلهای متعدد در تمام کره زمین فقط در آرزوی آن بوده‌اند ، در مد نظر ما میگشاید .



رام کنندگان کیهان - اثر آ . دئینه‌کا



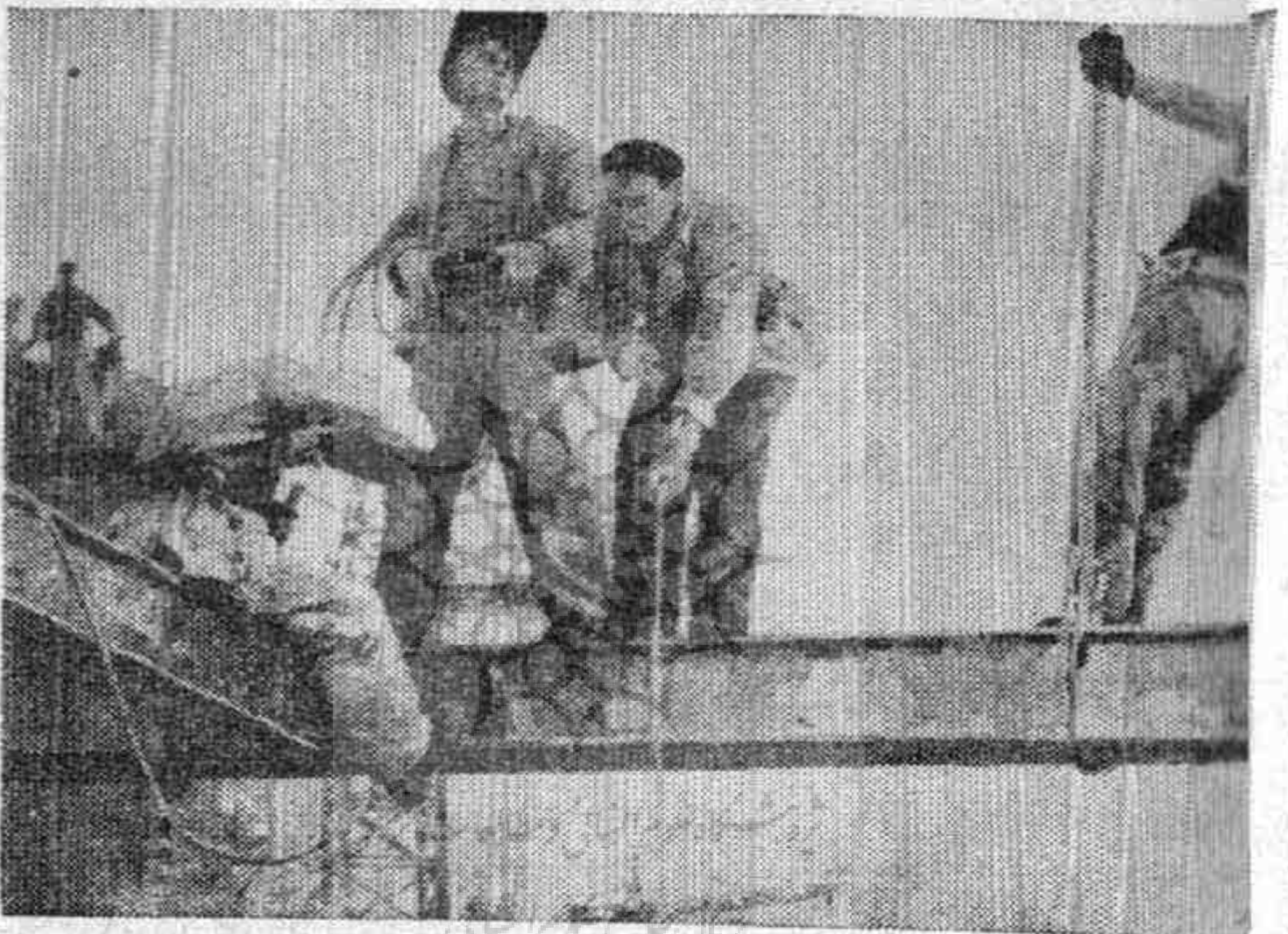
موضوع کار سوسیالیستی از حیث کیفیت خود بسیار مهم است . این کار قبل از هر چیز مستلزم تجسم آن در آثار مجلل و انجام آن با مصالح هنری با دوام و در آثاری است ، که جمعیت های انبوه تماشاچیان بتوانند آنها را نظاره کنند .

ت. صلاحوف در پرده نقاشی « تعمیر کنندگان » در جستجوی راه حل مجلل تجسم کار است و کوشش میکند در قالب منجز موضوع را بخوبی بیان کند و بطرزی عمیق سجایا و صفات مردم را ، که در چهره ها و هیكل های آنان عزم راسخ و آمادگی برای فداکاری در کار نقش بسته است نمایان سازد . تصویر « دائماً بیشتر به پهنه دریا » اثر ت . یاشایف از لحاظ ترکیب و تأثیر نزدیک به تصویر ت. صلاحوف است . ولی در این تصویر اوج فداکاری در کار نمایان گردیده است - کار روی دار بست های منجنیق نفت بر فراز امواج سهمگین دریای متلاطم جریان دارد . نقاش تقریباً صورت های قهرمانان خود را نشان نداده ، لیکن سیلوئت های آنان بقدری مبین و رنگ آمیزی تصویر آن چنان خشن و دراماتیک است ، که مبارزه رومانیک با قوای قهری طبیعت ، که در تمام تصویر واضح و هویداست ، بر انسان استیلا مییابد و او را منقلب میکند . موضوع و مضمون کار وقتی جنبه شاعرانه کسب میکند ، که عالم احساسات و تأثرات انسانی که کار میکند ، روش او نسبت بفعالیت و کار ، تأثیر کار در وضع باطنی روحی مردم ، مورد توجه خاص نقاش واقع بشود .

برای حل این مسئله اغلب اوقات نشان دادن خود جریان فعالیت و کار ضرورت ندارد . مطلب عمده نشان دادن صفات باطنی انسان است . در تصویر « نیمروز » کار آ . پلاستوف نقاش جریان کار را هیچ نشان نداده است ، ولی قهرمانان تصویر او در محیط کار زندگی میکنند ، آثار آن در سراسر وجود آنان هویداست . تصویر پلاستوف درباره کار دهقانان کالخوزی - تصاویر بی رنگ اندرزی نیستند ، که بطرزی جامد حکایت کنند ، که فلان کار کشاورزی در کشتزار یا خرمنگاه انجام میگردد . تصاویر وی - حکایت شاعرانه درباره سعادت کار است ، حکایت نقاش هنرمندی است ، که کراراً لحظات عالی وجد را در موقع کار ، در موقع گرما گرم فعالیت در دسته دهقانان کالخوزی ، در نزدیکی یلا فصل نسبت بطبیعت مألوف احساس کرده است . در نمایشگاه های ماموضوع کار « بالاروها » ( اشخاصی که در ارتفاع زیاد بالای ساختمانها کار میکنند ) بسط یافته است . نقاشان در این مورد پیوسته مراحل تازه ای را مییابند . م. چه پیک در تصویر « بالاروها » قهرمانی



در کار ساختمان کنندگان را نشان داده ، از تکرار مضامینی ، که تقابل وجود آورده اند خودداری کرده است . لیکن در این مورد هم ، مشروط به موضوعهای دیگر ، آدم دلش میخواهد توجه و دقت بیشتر قائل شود دادن قیافه فردی و عالم باطنی روحی کارگران شوروی را منظره . البته ، اصل موضوع منحصر بوصف سجایا و تمثال خود انسان نیست که در رفتار تازه انسان بکار ، نسبت باوضاع محیط ، نسبت بوسایل قیافه منظره صنعتی نیز هست .



### نمان کنندگان<sup>۱</sup> « اثر م . چپیک - رنگ روغن ۱۹۶۰ »

بسیارگان و نقاشان روسیه در دوره قبل از انقلاب ، اغلب اوقات نسبت به طوری رفتار میکردند ، که گویی آن وسایل دشمن انسان و فاقد ت . و . اشتراکات تازه نسبت بوسایل فنی معاصر را در تصویر نداشتند . کشتی یخ شکن اتمی لنین « بخوبی بیان کرده است . نقاش تصویر خود معجزه فنی سده بیستم - کشتی عظیم را نشان داده ، که بی توانای تازه دارد در مبارزه با قوای قهری طبیعت قدرت ( بآن میدهند )

بافداختن کشتی یخ شکن اتمی - بمنزله<sup>۲</sup> و<sup>۳</sup> چشن<sup>۴</sup> بزرگ ملی است .



کشتی از حیث وضوح و خطوط متناسبش بسیار زیبا است و اجازه میدهد تشخیص داده بشود، که کشتی مذکور مطیع اراده انسان است. اشکال مشبك جراثیالها از حیث سبکی با سنگینی کشتی در نقطه مقابل و متضاد قرار دارند، مرغهای کاکائی هم، که در اطراف آن پرواز میکنند، نزدیکی پهنه‌های فریبای دریا را نوید میدهند.

طبیعت و وسایل فنی در آنجا با هم آهنگی مکمل یکدیگرند. بطور کلی تصویر مذکور معرف اوضاع کنونی است، زیبایی کار خلاقه ایجاد، زیبایی وسایل فنی کنونی سوسیالیستی را نیستاید.

پس از مشاهده نمایشگاه، با اندک تفکر درباره آن، احساس میشود، که نقاشان خیلی کار کرده اند برای اینکه جنبه مهم زندگی ملت - جنبه قهرمانی آن را منعکس نمایند. ضمناً باید گفت، که توجه نقاشان معطوف بگذشته نبوده، بلکه بزمان حال و آینده بوده است. با وصف قهرمانی‌های روزگار گذشته و قهرمانی‌های کنونی، نقاشان کوشش دارند عشق و علاقه فداکاریهای دلیرانه و قدرت فهم و درک و احساس زیبایی‌های کار را در نسل جوان پرورش دهند. قدرت دگرگون کننده هنر شوروی در همین امر تظاهر مینماید.

و.و. رشچاگین طرفدار حقیقت در هنر و مدافع باحرارت صلح با عقیده راسخ میگفت که «نمیتوان در نقطه زیبایی دوری بود و منظره جنگ را کشید» در هر يك از انواع و اقسام کارهای مردم شوروی قهرمانی و فداکاری خاصی وجود دارد، زیبایی خاص، آهنگ روشن و رنگ آمیزی مخصوصی دارد و کسیکه آن کار را با دقت و بطرز عمیق و دقیق مورد مطالعه قرار نداده باشد، نخواهد توانست بطرز درخشان و هیجان انگیز آن را در تمثالهای هنری مجسم نماید.

شادی خلاقیت، که کار نصیب مردم میکنند، عمیق تر و کاملتر خواهد شد. نقاشان این امر را نادیده نخواهند گرفت. موضوع کار هرگز از هنر محو نخواهد گردید. مردم هرگز فداکاریهای دزمی راهم که ملت شوروی بخاطر میهن خود کرده اند، فراموش نخواهند کرد.

کار کردن روی مضامین فداکاریهای دلیرانه مردم شوروی، مجسم نمودن مفهوم عالی جمال پسندانه و اجتماعی آنها - بمنزله نگاه کردن بجلو، به آینده و مجاهدت برای نزدیکتر کردن آن میباشد، وظیفه هر نقاش هنرمند شوروی هم همین است.